

ماهیت و جایگاه انواع اعتماد اجتماعی در گرشاسب‌نامه اسدی طوسی

ذوالفقار علامی*

لیلا رکابدار**

چکیده

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و از لحاظ اجتماعی پیش شرط عمده‌ای برای موجودیت هر جامعه‌ای شمرده می‌شود؛ از این رو محث عمده‌ای از نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مبتنی بر مقوله‌ی اعتماد است. این مقاله با رویکرد جامعه‌شناسی به بررسی برخی از داستان‌های گرشاسب‌نامه می‌پردازد و در آن اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی مورد کاوش قرار می‌گیرد، از این جهت که ادبیات حماسی به عنوان صدای درونی هر ملت، انعکاس دهنده‌ی پنهان‌ترین زوایای زندگی مردم و هم‌چنین منبع درخوری برای پژوهش‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به شمار می‌آید، بررسی موضوع مورد نظر در این نوع ادبی به عنوان بخشی از فرهنگ اصیل گذشته می‌تواند ما را از میزان انعکاس ابعاد اعتماد در جوامع سنتی آگاه سازد و در تسهیل کنش‌های هدف‌مند در جامعه‌ی امروز نیز نتایج پرثمری بر جای گذارد. مقوله اعتماد در گرشاسب‌نامه با شاخص‌های اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی تقسیم بندی شده است. دستاورد این پژوهش ناظر بر این است که اعتماد به عنوان مؤلفه‌ای از سرمایه‌ی اجتماعی در گرشاسب‌نامه با شاخص‌های تعیین شده وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات حماسی، گرشاسب‌نامه، سرمایه اجتماعی، انواع اعتماد اجتماعی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)، zalami@alzahra.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا، leilarekabdar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۶

۱. پیش درآمد

امروزه بر کسی پوشیده نیست که زبان و آثار ادبی برترین عامل و مهم‌ترین حامل میراث فرهنگی بشر به شمار می‌آید. شخصیت ما در یک حد وسیع به کمک زبانی که از طریق فرهنگ جامعه به ما منتقل می‌شود، شکل می‌گیرد. (رنجبر و ستوده، ۱۳۸۴: ۵۹) از منظر جامعه‌شناسی ادبیات با توجه به ارزش و عمق محتوا، می‌توان به شناختی نو از ادبیات کهن دست یافت و عناصر زنده و پویای ادب و فرهنگ گذشته را، از دیدگاه جامعه‌شناسی در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. آثار ادبی با شکل و قالب ویژه خود، نماینده زندگی و بیان‌کننده ارزش‌ها، معیارها و ویژگی‌هایی است که زندگی فردی و جمعی در محور آن‌ها جریان دارد. ادبیات حماسی یکی از ابزارهای مهم زبانی و وسیله مردم ساخته ماندگار، با قدرت ایجاز و اطناب بالا و رسایی فوق‌العاده به عنوان یک میراث فرهنگی ملت، کلیت زنده و پویای اخلاقیات انسان است. انواع ادبی به طور عام و ادبیات حماسی به طور خاص ابزاری برای آگاهی قشرهای مختلف جامعه است تا مردم بتوانند براساس عقل و منطق و تجربه‌های به اثبات رسیده به دست افراد اعصار پیشین زندگی خود را تنظیم و اجتماع خود را بر پایه‌ی اخلاق حسنه و استفاده از اندیشه‌های والا و درست تربیت کنند. آثار ادبی با توجه کردن به بعد کیفی زندگی انسانی، نقشی مهم در ارتقای زندگی فردی و جمعی ایفا می‌کنند. براین اساس ادبیات به عنوان پدیده و مقوله‌ی اجتماعی و حماسه به عنوان قدیمی‌ترین نوع ادبیات بشر بعد مهمی از میراث هر ملت است که در تولید و بازتولید سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان عنصر اساسی در ساختار فرهنگ و هویت ملی هر جامعه نقش مهمی دارد. در حماسه، به ویژه در حماسه‌های ایرانی، پهلوان برای رسیدن به نام و گریز از ننگ می‌کوشد. از این رو، راستی، درستی، میهن دوستی، خدا باوری، پیمان‌داری و ارزش‌های اخلاقی از مهم‌ترین چیزهایی است که در رفتار پهلوانان بزرگ نمودی چشمگیر دارد، یعنی ارزش‌هایی که پهلوان به خاطر آن جانبازی می‌کند. از این روست که می‌بینیم حماسه‌های ایرانی جلوه‌گاه نبرد میان حق و باطل و خیر و شر و اهورا و اهریمن است. این مقاله بر آن است که اعتماد را به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در گرشاسب‌نامه بررسی کند. از این جهت که از یک سو، اعتماد یکی از مؤلفه‌های مهم و زیربنایی در روابط اجتماعی است و نخستین تکیه‌گاه شبکه‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و از سوی دیگر گرشاسب‌نامه اسدی از نظر موضوع مورد بررسی بسیار حائز اهمیت است.

سرمایه اجتماعی مفهومی جدید و بین رشته ای است که در کنار سرمایه‌ی فرهنگی، انسانی و اقتصادی از عوامل تأثیرگذار در ارتقای سطح توسعه در جوامع انسانی شمرده می‌شود و «جزئی تفکیک ناپذیر از مجموعه ثروت یک ملت است. در جامعه شناسی مدرن، اهمیت روابط اجتماعی در قالب دیدگاه سرمایه‌ی اجتماعی مطرح می‌شود. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اولین جزء سرمایه‌ی اجتماعی است. اعتماد یک مفهوم شناختی و ذهنی است. فرهنگ معین اعتماد را تکیه و پشت گرمی، اطمینان، وثوق داشتن، اعتقاد و اعتبار و سپردن چیزی به کسی از روی صداقت به کار برده است» (معین، ۱۳۴۲: ۳۰۳) و در فرهنگ سخن نیز اعتماد، به معنی: باور داشتن به راست گویی، درست کاری کسی و امید و اتکا داشتن به کارایی، یاری یا حمایت کسی یا چیزی و پشت گرمی داشتن است (انوری، ۱۳۸۲: ۱۶۶)

امروزه نظریه پردازان اجتماعی به ویژه تحلیل گران شبکه‌ی اجتماعی به علت خلاء ارتباط چهره به چهره، فردگرایی مفرط، وجود مدرنیته و... به طور گسترده‌ای به چگونگی روابط بین افراد در جامعه پرداخته‌اند؛ آنان طیف وسیعی از پدیده‌ها را که از روابط و پیوندهای اجتماعی تأثیر می‌پذیرد، مورد بررسی قرار داده‌اند. به تعبیر "اسحاق نیوتن" انسان‌ها دیوارهای زیادی می‌سازند؛ اما به اندازه‌ی کافی پل ارتباطی بنا نمی‌کنند (کووی، ۱۳۸۴: ۵۹)

توجه به فرهنگ به عنوان مؤلفه‌ای مهم و نقطه‌ی آغاز تغییر در جامعه اهمیت بسیاری دارد و ادبیات حماسی نیز به نوبه‌ی خود منعکس کننده‌ی این فرهنگ است که نقش بسیار مهمی را به عنوان یک وسیله‌ی تبلیغاتی ایفا می‌کند؛ از آن جایی که هم سرمایه‌ی اجتماعی و هم فرهنگ جزء رفتار بشری هستند، پس وجه مشترک زیادی می‌توانند داشته باشند. در واقع سرمایه‌ی اجتماعی از دل فرهنگ برمی‌خیزد و ادبیات حماسی، شاهنامه سرایی، نقالی، مثنوی خوانی نیز جزئی از فرهنگ ملی ایرانیان شمرده می‌شود؛ به سخن دیگر می‌توان گفت: سرمایه‌ی اجتماعی شکل (رفتارهای) مطلوب فرهنگ هر جامعه است و معمولاً آن‌چه سرمایه‌ی اجتماعی امروز است در گذشته از آن با عنوان سرمایه‌ی فرهنگی و اخلاقی یاد می‌کردند. در واقع نگرستن به فرهنگ اجتماعی در آینه‌ی ادبیات حماسی، گام نهادن به قلمرو ذهنی جامعه سنتی است. بنابراین به عنوان رساترین بخش ادبیات در کنار بازتاب دلاوری‌ها، افتخارات و بزرگی‌های قومی، تجلی‌گاه اندیشه‌های اجتماع و تبیین کننده‌ی رفتار، هنجار و ارزش‌هایی است که مردم آن را پذیرفته یا رد کرده‌اند.

علت انتخاب گرشاسب نامه اسدی طوسی، شاعر سده پنجم، جهت بررسی این است که به اتفاق سخن‌شناسان بزرگ‌ترین منظومه حماسی ملی است که به روش و سبک شاهنامه سروده شده است. این اثر تنها منظومه‌ی ساده یک آهنگ در وقایع و افسانه‌های تاریخی نیست؛ بلکه توجه گوینده آن بیشتر، به پروردن دقایق ادبی و نمودن روش استعمال لغات فارسی و بیان دستورهای اخلاقی و تربیتی و اجتماعی بوده است و به تحقیق ثلث ابیات این منظومه در حکمت و موعظه و آیین زندگانی است که هیچ کس از آن بی‌نیاز نتواند بود. اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۶)

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در باره اعتماد اجتماعی در آثار ادبی کمتر پژوهش شده است، برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقاله «بررسی تحمل و مدارای اجتماعی به عنوان یکی از اجزای سرمایه اجتماعی با تأکید بر دیدگاه سعدی» نوشته علی نصر اصفهانی و محمد اسماعیل شائمی بزرگی و «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در داستان نامه‌ی بهمیناری» از لیلی رکابدار که ۶۰۱۶ ضرب‌المثل فارسی را در مؤلفه‌ی سرمایه‌ی - اجتماعی از جمله اعتماد، مشارکت، مدارای اجتماعی، وفاق و هنجارهای معامله متقابل و تعهد اجتماعی بررسی کرده است و مقاله «نقد سرمایه و ضد سرمایه اجتماعی در شعر داروگ و ای آدم‌ها از نیما و سرود باران» از بدر شاکر از حمیدرضا مشایخی و ارسال احمدی.

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش روشن می‌شود که منظومه حماسی گرشاسب نامه با اینکه حاوی بسیاری از مؤلفه‌های سرمایه، اجتماعی، از جمله اعتماد است اما تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲. چهارچوب مفهومی

۱.۲ اعتماد

به نوشته‌ی کووی اعتماد یک جنبه‌ی مشترک در همه‌ی افراد، روابط، شبکه‌ها، خانواده‌ها، نهادها، ملت‌ها، اقتصاد و تمدن و فرهنگ سراسر دنیا است. کوهن (۱۹۹۶) وی اعتماد را انتظار دریافت حسن نیت مداوم از سوی دیگران می‌شمارد. از نظر گیدنز اعتماد جزء ضروری و لاینفک زندگی اجتماعی در نظر گرفته شده است. (گیدنز ۱۳۷۸: ۲۸) کاکس (cox) با تکیه بر عامل اعتماد به عنوان شاخص سرمایه‌ی اجتماعی این نکته را خاطر

نشان می‌کند که در صورت وجود اعتماد میان افراد و اجتماعات، روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، هم‌کاران و اجتماعات مؤثر خواهد بود (بهزاد، ۱۳۸۴: ۸۹) کنفوسیوس می‌گوید یک دولت خوب به سلاح، غذا و اعتماد نیاز دارد. اگر فرمان‌روایی نتواند به این سه مهم دست یابد، باید نخست از اسلحه، سپس غذا صرف نظر و اعتماد را تا آخر حفظ نماید؛ چون بدون اعتماد دوام نخواهد آورد. (کووی، ۱۳۸۷: ۴۱۳)

دورکیم اعتماد را آرامشی می‌داند که حاصل زندگی مسالمت آمیز در کنار هم وطنان در حالت صلح، به دور از هر گونه دشمنی و خصومت، است. سلیگمن معتقد است اعتماد یک مؤلفه‌ی ضروری در همه‌ی روابط مستمر اجتماعی است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۷)

جفری الگزندر، اعتماد را یکی از جهات مهم جامعه‌سستی می‌داند؛ از این رو مفهوم اعتماد دارای معنای خاص فرهنگی است (همان: ۴). زتومکا اعتماد را متشکل از دو جزء اصلی باور و تعهد می‌داند به نظر او اعتماد فقط به عنوان یک دستور اخلاقی نیست، بلکه چیزی است که از طریق آن تجربه‌های روزمره افراد ممکن می‌گردد (همان: ۱۶۰)

۲.۲ اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی یکی از مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی است، چنانکه تا حد زیادی گرانیکه نظریه‌های جامعه‌شناسی شمرده می‌شود و

ماحصل انگیزش و محرکی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی و مستلزم معیارهایی چون صداقت مشهود، عنیت، ثبات، شایستگی، انصاف و همه آن چیزهایی است که روابط را بر اساس عمل مداوم به این ملاک‌ها تداوم و وسعت می‌بخشد. از این رو لازم است در بررسی اعتماد آن را به مثابه ساختاری در نظر گرفت که در آن علاوه بر توجه به ابعاد شخصی و فردی به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به طور همزمان توجه می‌شود (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۱۰۸)

اعتماد اجتماعی اطمینان به قابلیت یک شخص و یا سیستمی است که بیانگر پاکدامنی، ایمان به مردم و آرامش است. (عبدالرحمانی، رضا، ۱۳۸۴: ۱۲۵)

وجوه اشتراک تعاریف اعتماد اجتماعی را می‌توان چنین بر شمرد: ۱- اعتماد در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود و یکی از جنبه‌های آن است. ۲- در اعتماد، مفهوم تاخر زمانی و وابستگی امور به آینده وجود دارد ۳- اعتماد با خطر کردن و مخاطره همراه است، مفهوم عدم تعین اجتماعی، یعنی عدم پیش‌بینی رفتارها و امور نیز با مفهوم اعتماد توأم است. ۴- حسن ظن نیز مهم‌ترین عنصر و هسته اعتماد و هسته مرکزی آن است ۵-

اعتماد اکتسابی است و در طی جریان جامعه پذیری و از همان سال های اولیه زندگی پدید می آید و طی تجارب اجتماعی تقویت شده و به نسل های بعدی انتقال می یابد. (زین آبادی، ۱۳۸۷:ص ۱۷)

۳.۲ انواع اعتماد اجتماعی

در باره انواع اعتماد اجتماعی، تقسیم بندی های گوناگونی صورت گرفته است: اوفه اعتماد اجتماعی را به اعتماد شهروندان به همشهری های خود یا مقوله فرعی دنیای دیگر، اعتماد شهروندان به نخبگان سیاسی یا نخبگان سایر بخش ها، اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخش ها و اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه تقسیم کرده است. (تاج بخش، ۲۰۷:۱۳۸۴)

گیدنر نیز اعتماد اجتماعی را به چهار دسته تقسیم کرده است: ۱- اعتماد بنیادی ۲- اعتماد بین شخصی ۳- اعتماد انتزاعی ۴- اعتماد تعمیم یافته. (گیدنر ۱۳۸۰ به نقل از معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸:۱۳)

علاوه بر این در بیشتر تقسیم بندی هایی که در باره اعتماد اجتماعی صوت گرفته، سه نوع اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی دیده می شود. دسته بندی دیگری که اساس تحلیل این مقاله قرار گرفته مربوط به دیدگاه زتومکا است. وی اعتماد اجتماعی را به

۱- اعتماد بین شخصی

۲- اعتماد طبقاتی و نقش های اجتماعی

۳- اعتماد نهادی

دسته بندی کرده است.

۱.۳.۲ اعتماد بین شخصی

سرمایه ای اجتماعی دارای دو وجه درون گروهی و برون گروهی است. شناخت سرمایه ای اجتماعی درون گروهی در درون گروه های خانواده، خویشاوند، دوستان و همسایگان میسر است. به باور «چارلز هورتن کولی» گروه های خانواده، خویشاوندی و دوستان هر کدام نقش های مشابهی در تأمین احساس امنیت و آرامش خاطر افراد دارند. برای این سه دسته از

گروه‌ها صفات مشترکی نظیر وفاداری، پیوستگی عاطفی، همکاری نزدیک و روابط دوستانه قایل شده‌اند. (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۴۳)

وولکاک و ناریان مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را در چارچوب اعتماد بین شخصی تعریف کرده‌اند. ایده اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان و آشنایان یک فرد، یک دارایی مهم را تشکیل می‌دهند که می‌توان در یک بحران از آن استمداد کرد و آن را برای کسب منفعی به کار گرفت (تاج بخش کیان، ۱۳۸۴: ۳۹۱)

۳. تحلیل انواع اعتماد در گرشاسب‌نامه

۱.۳ اعتماد به خانواده

خانواده قدیمی‌ترین و نخستین شکل سازمان اجتماعی است که شامل پدر، مادر و فرزند است. به چنین خانواده‌ای، خانواده‌ی هسته‌ای نیز گفته می‌شود (گوروچ، ۱۳۵۶: ۱۶۱). کلمن، خانواده را مکان کهن سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند. (غفاری، ۱۳۸۷: ۱۶) از نظر وی خانواده از قدیمی‌ترین تشکلات اجتماعی است که روابط خویشاوندی به طور اعم و خانواده به طور اخص نمایان‌گر بنیادهای اجتماعی است (فیلد، ۱۳۸۴: ۴۱). برای نمونه در گرشاسب‌نامه اعتماد شاه کورنگ به دخترش را، که نمونهٔ اعتماد ناب در کانون خانواده شمرده می‌شود. در ابیات زیر می‌توان دید:

یکی دخترش بود کز دلبری	پری را به رخ کردی از دل بری
به کاخ اندرون بت، به مجلس بهار	در ایوان نگارویه میدان سوار
(اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۴۶)	
ز بد رسته بود شاه زاولستان	ز تدبیر آن دختر دلستان
نه هرگز به کس دادی او را پدر	نه روزی ز فرمانش کردی گذر
چنان بود پیمانش با ماهروی	که جفت آن گزیند که پسندد او
ز خواهنده کس پیش نگذاشتی	هر آن کامدی خوار برگاشتی
پدر دان مرا شاه زاولستان	ندارد بجز من دگر دلستان
وز او مر مرا هست فرمانروا	که جفت آن گزینم کم آید هوا
(اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۴۹-۴۷)	

در ابیات زیر اعتماد میان اعضای خانواده (دختر و پدر) که تأمین کننده‌ی احساس امنیت و آرامش در خانواده به شمار می‌آیند، به روشنی نمایان است.

چنین گفت: کای بخت، پیشت رهی	تو دانی که ناید ز من بی‌رهی
اگر بزم اگر ساز جنگ آورم	/ نه آنم که بر دوده ننگ آورم
کنون جفتم آن شاه نیک اخترست	که از هر شه اندر جهان بهترست
همه کارجم یاد کرد آن چه بود	چو بشنید ازو شاه شادی نمود
بدو گفت خوش مژده‌ای دادیم	ز شادی دری ترازه بگشادیم
ز تو بود فرخ مرا تاج و تخت	ز تست اینکه جم را به من داد بخت

(همان، ۶۲-۶۱)

در این ابیات نیز اعتماد کورنگ (شاه زابل) به دامادش جمشید بازنمایی شده است.

بیامد بر جم، شه سرفراز	ز دور آفرین کرد و بردش نماز
لبت گفت جاوید و پر خنده باد	در این خانه بودنت فرخنده باد
چو خورشید بی کاست بادی و راست	/ بداندیش چون ماه بگرفته کاست
از این پس دهد بوسه ماه افسرت	/ هم از گوهر من بود گوهرت
که با دختر خویش تا زنده‌ام	پرستار تست او و من بنده‌ام
گر اکنون نه آنی که بودی ز پیش	بر من همانی و زان نیز بیش

(همان: ۶۲-۶۱)

نظر به اهمیتی که جامعه‌شناسان برای گروه‌های نخستین در برقراری روابط متقابل انسانی با جامعه‌ی وسیع‌تر قائلند، یکی از شاخص‌های مهم برای پی‌بردن به این میزان، شناخت فرد مورد اعتماد است. با در نظر گرفتن این مطلب در این ابیات، اعتماد میان پدر و دختر، شاخص مرجع در نظر گرفته شده است. ابیات شاهد نشان‌دهنده میزان گسترده‌ای از سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد است، آن‌گونه که شاه زابل، دختر خود را در انتخاب همسر، مختار و آزاد می‌گذارد و برگزیدن همسر توسط دخترش را بسیار مهم تلقی می‌کند. از این رو دختر شاه زابل، جمشید را با رأی و انتخاب خود به همسری برمی‌گزیند. همگی این ابیات نمودی از سطح اعتماد درون گروهی با شاخص خانواده است.

۲.۳ اعتماد به دوستان

از قدیم گفته اند «هزار دوست کم است و یک دشمن بسیار»، در این نوع از اعتماد بین شخصی حوزه تعاملات، میان دوستان، عشاق و یا دو هم کلاسی وجود دارد (أجاق‌لو، زاهدی، ۱۳۸۴: ۱۰۱) به طور خلاصه دوستی‌های غیر رسمی فرد با هم کلاسی‌های قدیمی، همکاران یا دوستان می‌توانند به واسطه‌ی تأمین ارتباطات، تراوش اطلاعات، حمایت اجتماعی، امنیت خاطر، آرامش روحی روانی، سلامت فکری و جسمی، حمایت عاطفی، تقویت کننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی آن فرد باشد. (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۷۳)

اعتماد به دوست، شرایط و آدابی دارد که با وجود آن‌ها مؤلفه‌ی اعتماد و شبکه‌ی دوستی شکل می‌گیرد. در فرهنگ ایرانی ضرب‌المثل‌های بسیاری وجود دارد که نشان دهنده سطح گسترده‌ی این گونه اعتماد در جامعه ایرانی است. با توجه به تکثر فرهنگی در ایران، اعتماد میل به خاص‌گرایی داشته و غالباً در سطح درون‌گروهی، اعتماد را بالاتر از اعتماد برون‌گروهی می‌دانند (ازکیا، ۱۳۸۸: ۱۶)

از آن‌جایی که کوچک بودن ابعاد جامعه‌ی سنتی و کمی جمعیت به غنای کیفی روابط کمک می‌کرد، اشخاص، فرد مورد اعتماد را با تمامی جنبه‌های شخصیتی‌اش می‌شناختند. از این رو آستین رنی، مهم‌ترین عناصر فرهنگ ایران را احساس هم‌بستگی، اعتماد و تعهد شهروندان بر شمرده است. (عباسیان، ۱۳۸۷: ۵۲)

از این رو اعتماد را می‌توان موضوع کانونی و تأثیر گذار بر سایر مسائل جامعه شناختی کشور قلمداد کرد. (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۸۱)

در گرشاسب‌نامه، هنگامی که جمشید از تاج و تخت جدا شد و جهان زیر فرمان ضحاک درآمد، پس از پیمودن راهی طولانی به زابلستان رسید و در آن‌جا با دختر شاه زابلستان آشنا شد.

در این ابیات اعتماد میان دختر شاه زابل و جمشید مطرح و به تصویر کشیده شده است:

چو پردخته شد جای، برپای خاست	نیایش کنان گفت کای شاه راست
خرد بر دلم راز چونین گشاد	که هستی تو جمشید فرخ نژاد
ز مهر تو دیربست تا خسته ام	به بند هوای تو دل بسته ام
نگار تو اینک بهار منست	برین پرنیان غمگسار منست
ترا ام کنون گر پذیری مرا	برآیین به جفت گیری مرا
دهم جان گر از دل به من بنگری	کنم خاک تن تا به پی بسپری

(اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۵۵)

چو پردخته شد جای، برپای خاست
خرد بر دلم راز چونین گشاد
ز مهر تو دیربست تا خسته ام
نگار تو اینک بهار منست
ترا ام کنون گر پذیری مرا
دهم جان گر از دل به من بنگری
نیایش کنان گفت کای شاه راست
که هستی تو جمشید فرخ نژاد
به بند هوای تو دل بسته ام
برین پرنیان غمگسار منست
برآیین به جفت گیری مرا
کنم خاک تن تا به پی بسپری

(اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۵۵)

جمشید، به ابراز علاقه دختر شاه زابل چنین پاسخ می دهد:

به دارنده، کین آتش تیز پوی
که تا زنده ام هیچ نازارمت
چنان دارم این راز تو روز و شب
دواند همی گرد این تیره گوی
برم رنج و همواره ناز آرمت
که با جان بود گر برآید ز لب

دختر شاه زابل:

به گیتی ندانم پناه تو کس
همه دشمنند منم دوست بس

(همان: ۵۷)

و در ابیات دیگر مانند:

چو دستت رسد دوستان را پیای
زدشمن مدارایمنی جز به دوست
که تا در غم آرند مهرت به جای
که بر دشمنت چیرگی هم بدوست

(همان: ۲۹-۲۸)

اگر فرهنگ را «چکیده‌ی باورهای پذیرفته شده یا الگوهای رفتاری و رویه‌های رایج در جامعه و قبیله بدانیم» (کروبر و کلوهن به نقل از اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۰) جامعه‌ی ایرانی جامعه‌ی دوست‌گرای بوده است. از این رو با رجوع به امثال و حکم، ادبیات حماسی، ادبیات غنایی و... شبکه‌های دوستی، بسیار با ارزش تلقی می‌شده است. البته آموزه‌های دینی و ادبی، نظام‌های اجتماعی از جمله خانواده، فرهنگ و ارزش و هنجارهای اجتماعی بی‌تأثیر نبوده است، که می‌توان به چند نمونه از آنها اشاره کرد: حضرت علی (ع) نیز در مورد نشانه خردمندی می‌فرماید: اول و سرآغاز عقل، دوستی کردن است؛ زیرا مصالح دنیوی و اخروی انسان در گروه دوستی کردن با دیگران است و ناتوان‌ترین مردم کسی است که از دوست‌گرفتن عاجز باشد و قدر دوستی را نداند و او را از دست بدهد (شریفی، ۱۳۸۵)

۴۵). در رابطه با این پیوند قوی کهن ایرانی در قابوسنامه آمده: دوست نیک، گنجی بزرگ است. بدان ای پسر که مردمان تا زنده باشند ناگزیر باشند از دوستان، که مرداگر بی‌برادر باشد به که بی‌دوست. از آن چه حکیمی را پرسیدند که دوست بهتر یا برادر؟ گفت برادر هم دوست به. پس اندیشه کن به کار دوستان که با دوستان بسیار عیب‌های مردم پوشیده شود و هنرها گستریده گردد (عنصر العمالی، ۱۳۷۲: ۱۵۷) مولوی نیز در فیه ما فیه می‌گوید: «دوستان را در دل رنج‌ها باشد که آن‌را به هیچ دارویی خوش نشود. نه به خفتن نه به گشتن و نه به خوردن الا به دیدار دوست که لقاء الخیل شفاء العیل.» (زمانی، ۱۳۸۲: ۶۴۳)

۳.۳ تعمیم یافته

در حد فاصل میان اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی، طبقات اجتماعی قرار دارند که به عنوان جمعی اشخاص که در برخی از ویژگی‌های عام مشترک هستند، فهمیده می‌شوند. اعتماد تعمیم یافته، خود به دو دسته‌ی اعتماد به عموم مردم و اعتماد به طبقات و نقش‌های اجتماعی تقسیم می‌شود:

۱.۳.۳ اعتماد به عموم مردم

اعتمادی است که نسبت به غریبه‌ها و افراد ناآشنا تعمیم می‌یابد و اغلب بر مبنای انتظارات رفتار یا یک احساس از هنجارهای مشترک ایجاد می‌شود (خوش‌فر، ۱۳۸: ۱۱۹)

در این ابیات اثرط، گرشاسب را به لزوم تعهد، اعتماد و تسلیم در برابر ضحاک می‌خواند.

چو رفتی بر شه پرستنده باش	کمر بسته، فرمائش را بنده باش
چنان کن که هر کس که نزدیک اوست	به رادی شود با تو دلسوز و دوست
به دل دوستان و را دار دوست	مخواه از بن او راکه بدخواه اوست
همه خوی و کردار او را ستای	همان دشمنش را نکوهش فزای

(اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۸۳)

گرشاسب در پی توصیهٔ اثرط به دربار ضحاک می‌رود و تسلیم امر او می‌شود و به وی اعتماد می‌کند. در ابیات بالا دایره اعتماد وسیع‌تر شده و از چارچوب خانواده‌پا را فراتر نهاده است.

۱.۱.۳.۳ اعتماد به طبقات و نقش‌ها

یکی دیگر از شاخص‌های اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به طبقات و نقش‌های اجتماعی است. در اعتماد طبقاتی، شعاع اعتماد گسترده‌تر می‌شود و اعتماد از بافت درون گروهی فاصله می‌گیرد و به مسائل فرهنگی و سیاسی و مذهبی تعمیم داده می‌شود. اعتماد اجتماعی مبنی بر نقش و پایگاه افراد به تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی از نظر احترام یا اعتبار اجتماعی که دیگران برای آن‌ها قائل می‌شوند، اطلاق می‌گردد. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۲۶)

اعتماد طبقاتی در گرشاسب نامه به اعتماد به خدا و اعتماد هم‌گون تقسیم می‌شود:

الف-اعتماد مذهبی

یکی از ابعاد اعتماد از دیدگاه زتومکا، اعتماد به خداست. با توجه به اینکه اعتماد اجتماعی اندیشه جدیدی نیست، بلکه جریانی است که پیشینه زیادی دارد. قدیمی ترین برداشت، این مفهوم را با ایمان و اطمینان به یک قدرت مافوق طبیعی، که انسان خود را وابسته به آن احساس می‌کند، مربوط می‌سازد. دین و اعتماد دینی به عنوان نظامی ماورایی و برون زاد می‌تواند به عنوان یکی از اساسی ترین عوامل در شکل گیری سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین اعتماد در کشورهایی مانند ایران که چشم انداز دینی و مذهبی و توسعه‌ای دارند، در نظر گرفته شود. قراین و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که یکی از عناصر اصلی فرهنگ و هویت ایرانیان قبل از اسلام نیز اعتقاد به یک پروردگار ناپیدا بوده. «جوهره‌ی هویت ملی ایران خدامحوری، خانواده محوری، نوع دوستی و ... بوده است» (حاجیان، ۱۳۸۸: ۲۶۵)

«ایرانیان همیشه خدا محور بوده اند، از اعتقادات پیش از زرتشت تا اسلام و فرهنگ شیعی این عنصر به حیات خود مجدانه ادامه داده است» (عباسیان، ۱۳۸۷: ۹۵)

چنانکه گوروپچ تاکید می‌کند: «خدا در کارکرد عادی جامعه‌ی سنتی نقش لازم را ایفا می‌کند.» (گوروپچ و مندراس، ۱۳۵۶: ۲۱۹) از این رو می‌توان یکی از شاخص‌های جوامع سنتی را خدا محوری و معنوی گرایی نام برد. (ازکیا، ۱۳۸۸: ۴۶) و به تعبیر دیگر «جوامع سنتی، ارزش گرا، سنت گرا و هنجار گرا هستند.» (نیک خلق، ۱۳۸۴: ۵۰)

چنانکه اسدی نیز در مقدمه گرشاسب نامه می‌گوید:

سپاس از خدا ایزد رهنمای	که از کاف و نون کرد گیتی به پای
یکی کش نه آز و نه انباز بود	/ نه انجام باشد نه آغاز بود
به کارش درون نیست چون و چرا	نپرسد از او، او پرسد ز ما

(اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۲۹)

دل از دین نشاید که ویران بود	که ویران زمین، جای دیوان بود
نگه دار دین، آشکار و نهان	که دینست بنیاد هر دو جهان
پناه روان است دین از نهاد	کلید بهشت و ترازوی داد
چراغیست در پیش چشم خرد	که دل ره به نورش به یزدان برد
روان راست نو حله‌ای از بهشت	که هرگز نه فرسوده گردد نه زشت
ره دین گرد هر که دانا بود	به دهر آن گراید که کانا بود

(همان: ۳۱)

ب- اعتماد هم‌گون (اعتماد مبنی بر سنخیت)

در اعتماد مبنی بر سنخیت، هم‌گونی در اعضای گروه یا شبکه است که می‌تواند بر میزان و سطح اعتماد تأثیر بگذارد. در این نوع از اعتماد هیأت ظاهری مبنایی برای اعتماد شمرده می‌شود. هاردین می‌گوید: علت احتمالی این امر این است که ما بهتر می‌توانیم رفتار افرادی همانند خودمان را پیش بینی کنیم (زتومکا، ۱۳۸۴: ۹۳). به نظر ارل تکوویچ مردم تمایل دارند به کسانی که شبیه خودشان هستند، اعتماد کنند و به کسانی که همانند خودشان نیستند، اعتماد نکنند. بنابراین؛ نمود یا طرز رفتار و هیأت ظاهری افراد را به صورت قابل اعتماد جلوه‌گر می‌سازد و یا بالعکس موجب شک و بدگمانی می‌گردد.

همگی با این بیت معروف که گرایش افراد را به همانندان خود نشان می‌دهد و به صورت مثل در آمده است، آشنا هستیم:

«کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز»

(بهمنیار، ۱۳۸۱: ۴۱۰۳)

از این رو برخی از پژوهشگران یکی از تفاوت‌های جوامع سنتی و صنعتی را در این امر می‌دانند که: افراد در جوامع سنتی شبیه به هم، متجانس و همگن هستند (گورویچ، مندراس ۱۳۵۶: ۱۵۵) و به قول اریک فروم: آدمی جز حاصل الگوهای فرهنگی، که او را می‌سازند، نیست. در جوامع سنتی ما نیز این نوع اعتماد رواج داشته است و مثل های زیادی در این باره داریم. مانند:

- در و تخته به هم جفت شد (۲۴۳۲).

- زبان گنگان، گنگان دانند (۲۹۲۵).

شبکه‌های هم‌گون به دلیل میزان سازگاری، هم‌شکل بودن، آشنایی‌ها، خودی بودن به هم اعتماد می‌کنند و همین سنخیت افراد را نسبت به هم جذب می‌کند. این شباهت انگیزه‌ای

برای درخواست اعتماد و متقابلاً پذیرش اعتماد و شبکه‌های تعامل و دوستی می‌شود. به‌طور مثال دو نفر آذری زبان و یا کرد که اعتماد و وحدت و هم‌گرایی قومی و محلی بسیاری میانشان است، وقتی همدیگر را ملاقات می‌کنند، ترجیح می‌دهند به زبان و گویش خود سخن بگویند که گویای اعتماد مبنی بر سنخیت است.

یکی از وجوه اعتماد در گرشاسب نامه نیز اعتماد هم‌گون است. آن‌جا که جمشید به زابلستان پناه می‌آورد و راز سر به مهر خویش و دست کشیدن از تاج و تخت و داستان آوارگی خود را برای دختر شاه زابل تعریف می‌کند و سرانجام این اعتماد متقابل است که به ازدواج آن دو منجر می‌شود.

جم از پیش دانسته بود کار اوی	خوش آمدش دیدار و گفتار اوی
به دل گفت کاین ماه، دژخیم نیست	گر از رازم آگه شود بیم نیست
کرا در جهان خوی زشت از نکوست	به هر کس گمان آن برد کاندراوست
به مردم خردمند نامی بود	که مردم به مردم گرامی بود

(اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۴۹)

دختر شاه زابل هم در پاسخ جمشید خود را از گوهر و تبار شاهان معرفی می‌کند

بت زابلی گفت از این هر چهار	/ نی ام من جز از تخمه ی شهریار
-----------------------------	--------------------------------

(همان: ۴۹)

همان‌گه زن جادوی پرفسون	که بد دایه مه را و هم رهنمون
به زابل زبان گفت کای مهرجوی	چنین میهمانت چون فتادت بگوی
درست از گمان من این شاه، اوست	/ کش از دیرگه بازداری تو دوست

(همان: ۵۳)

و در ابیاتی دیگر دختر، جمشید را این‌گونه وصف می‌کند:

جوانی به آیین ایرانیان	گشاده کش و تنگ بسته میان
کنون جفتم آن شاه نیک اخترست	که از هر شه اندر جهان بهترست

(همان: ۶۰)

۴.۳ اعتماد نهادی

انتزاعی‌ترین مقوله‌ی اعتماد مربوط به اعتماد نهادی است که با شاخص علم و دانش و خرد نمود دارد.

۵.۳ اعتماد مبنی بر علم

عرصه‌ی مهم دیگری که بزرگ‌ترین قابلیت مستقیم در به وجود آوردن سرمایه‌ی اجتماعی را دارد، عرصه‌ی علم و دانش است. علم می‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی را به شکل قواعد و هنجارهای اجتماعی منتقل کند. به عقیده‌ی زتومکا انتزاعی‌ترین اعتماد معطوف به نهادها و سازمان‌ها است؛ مانند اعتماد به آموزش و پرورش، بانک، کلیسا و... به زعم وی اعتماد به علم به عنوان بهترین روش برای نیل به حقیقت مثال خوبی در این مورد است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۴۹). به‌طور یقین جامعه‌ی سنتی ایران به خاطر ساختار علمی - فرهنگی در صدد اجتماع دانایی، خردمندی و توانایی بوده‌است. فرهنگ ایرانی به زعم بسیاری از فرهنگ‌شناسان، خردگرا و خردورز بوده‌است. فردوسی، ایرانیان را از آغاز تشکل و تمدن و قومیت، مردمی خردمند می‌شناسد. در بینش فردوسی که برگرفته از هویت ایرانی و انسانی است، خردورزی و خداپرستی دو بال حرکت به سوی تعالی محسوب می‌شوند (خسروی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

از آنجایی که بخش عمده‌ی اندیشه و سخن توده‌ی مردم بازتاب فرهنگ جامعه است، بازتاب این بینش کهن را در گرشاسب‌نامه بروشنی می‌توان دید.

هنرها به برنایی آور پدید / ز بازی بکش سر چوپیری رسید
بر آن کوش کت سال تا بیشتر / بری پایگاه از هنر بیشتر
میاسای از اندیشه‌ی گونه‌گون / که دانش ز اندیشه گردد فزون

(اسدی طوسی، ۱۳۹۳: ۴۵-۴۱)

چنان زی خردمند و دانا و راد / که تا بر بدت کس نباشد شاد

(همان: ۳۷)

توصیه‌ی بسیاری از خردمندان، فلاسفه، ادبا و نویسندگان، مبتنی بر علم دوستی و گرایش به این نهاد بوده‌است. اسلامی ندوشن می‌گوید: «در رابطه با علم، تفکرات علم‌گرایی ابن‌سینا، رازی و ابوریحان بیرونی در این میان مهم است که اینان را در پی احیای فرهنگ و علم دوستی هویت ایرانی تلقی نمود» (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۲۵۹)

به نظر گوروپچ افراد با نفوذ در جامعه کسانی بودند که خواندن و نوشتن بلد بودند (گوروپچ و مندراس، ۱۳۵۶: ۲۱۸) به باور باربر اعتماد مبتنی بر روش (علم) توسط هر کس که دنبال شود، بهترین نتیجه را خواهد داد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۵۰)

در گذشته، خردمندی، دانایی، عقل و هوش، دانش، علم، عالم و آگاهی همگی تبلور معنی دانایی و آموختن بودند، در واقع فاصله‌ی معنایی زیادی میان آن‌ها وجود نداشت ناصر خسرو، شاعر بلند آوازه ایران، بزرگی علو مقام (خود سروری) را در دانش پژوهشی و معرفت اندوزی و علم و عمل می‌داند.

درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را
(ناصرخسرو، ۱۳۸۴: ۶۳).

امام محمد غزالی نیز یکی از فواید علم را این گونه بر می‌شمارد: هیچ کاری بزرگوارتر از علم نیست، چون دانستی که عامی به هیچ وقت از خطر خالی نباشد. از این جا معلوم شد که به هیچ کاری که آدمی بدان مشغول خواهد شد فاضل تر و بزرگوارتر از علم نخواهد بود و هر پیشه که به آن مشغول خواهد شد برای طلب دنیا خواهد بود و علم بیشتر خلق را در دنیا نیز بهتر از پیشه‌هاست. (غزالی، ۱۳۶۹: ۱۱)

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نگریستن به فرهنگ اجتماعی در پرتو ادبیات حماسی، گام نهادن به قلمرو ذهنی جامعه سنتی است. جامعه‌ای با رخ داده‌های اجتماعی از قبیل؛ افتخارات ملی، پایمردی‌ها و داستان‌های عاشقانه که با بهره‌گیری از ظرایف ادبی، جهت‌گیری‌های احساسی و ادراکی و ارزشی مردم را درباره رویدادهای روزمره اجتماعی به خوبی نمایان می‌کند.

گرشاسب نامه به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های ادبیات حماسی و میراث مکتوب گذشتگان، به اجتماعیات اختصاص دارد، علاوه بر ویژگی‌های ادبی و زیبایی‌شناختی، منبع درخوری برای پژوهش‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. چنانکه تقریباً یک سوم ابیات آن به حکمت، موعظه و آیین زندگانی اختصاص دارد.

از منظر جامعه‌شناختی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انواع اعتماد درون گروهی با شاخص‌های: اعتماد به خانواده و اعتماد به دوستان، و اعتماد تعمیم یافته با شاخص‌های: اعتماد به خدا و اعتماد به افراد هم‌گون، و اعتماد نهادی با شاخص اعتماد به علم و خرد، در گرشاسب نامه نمودی چشمگیر و جایگاه برجسته‌ای دارد. از این رو، اعتماد به عنوان مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در گرشاسب نامه از دو جهت قابل توجه است: ۱- مسایل اجتماعی از جمله اعتماد و برقرار کردن روابط اجتماعی و اخلاقیات بسیار مهم بوده چنانکه در

داستان‌ها و شخصیتی‌های گرشاسب‌نامه نمود یافته است. مانند اعتبار و ارزش نهادن به علم، اعتماد پدر به دختر و هم‌چنین اعتماد دختر به پدر، اعتماد افرادی که بیشتر با هم سنخیت دارند، اعتماد به خداوند و دین مدار بودن و...، از نظر اسدی طوسی جزء الگوهای باارزش و الزامات رفتاری نقش‌های افراد در داستان‌هایش به شمار می‌رفته است.

کتاب‌نامه

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳) «اعتماد، اجتماع، جنسیت، بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس مخالف» جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۸
- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد، (۱۳۹۳) گرشاسب‌نامه، چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب.
- اسمیت، فیلیپ دانیل (۱۳۸۳) درآمدی بر نظریه‌ی فرهنگی، ترجمه‌ی حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها
- أجاقلو، سجاده زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۴) اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، مجله‌ی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۴، صص ۹۲-۱۲۵
- ارجایی، سعید (۱۳۸۷) نظری بر زخم‌های ایرانیان، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشارات پازینه.
- الوانی، سید مهدی و حسن دانایی فرد (۱۳۸۰) مدیریت دولتی و اعتماد عمومی، دانش مدیریت، شماره ۵۵، زکیا، مصطفی (۱۳۸۸) اعتماد اجتماعی در مشارک مردم در سطح‌های توسعه‌ی روستایی، شماره‌ی اول، سال سوم.
- انوری، (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، جلد هفتم، تهران: سخن
- بهمنیار، احمد (۱۳۸۱) داستان‌نامه‌ی بهمنیاری، به کوشش فریدون بهمنیار، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- بهباده، داوود (۱۳۸۴) سرمایه‌ی اجتماعی و رفاه اجتماعی در مجموعه مقالات نخستین - تاج‌بخش، کیان سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، ترجمه‌ی حسن پویان و افشین خاکباز، تهران: نشر شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۹) کنکاشی در هویت ایرانی، چاپ دوم، تهران: پژوهش‌های تحقیقات استراتژیک.
- خوش‌فر، غلام‌رضا (۱۳۸۵) تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت سیاسی، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، استاد راهنما: دکتر محمدحسین پناهی، استاد مشاور: دکتر محمد ابراهیم موحدی و دکتر محمد سعید ذکایی.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴) اعتماد یک نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی فاطمه گل‌ابی، تبریز: انتشارات ستوده.
- زمانی، کریم (۱۳۸۲) شرح موضوعی مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، تهران: نشر نی.

زین آبادی، مرتضی تئوریها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه، پژوهشنامه اعتماد اجتماعی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۷، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۱) جامعه شناسی ارتباطات، چاپ یازدهم، تهران: اطلاعات. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶) رتبه‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی در استان‌های کشور، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.

شریفی، محمود (۱۳۸۵) فروغ حدیث، جلد دوم، قم: نشر معروف. عباسیان، علی اکبر (۱۳۸۷) فرهنگ سیاسی درامثال و حکم، تهران: اختران. عبدالرحمانی، رضا (۱۳۸۴) تاثیر اعتماد اجتماعی به عنوان نشانگان سرمایه اجتماعی دانش انتظامی، شماره ۲۶

عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۷۲) قابوسنامه، به کوشش غلامحسین یوسفی، چاپ پنجم، تهران: سپهر.

غزالی طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۱) گزیده‌ی کیمیای سعادت به کوشش احمد رنجبر، چاپ چهارم، تهران: سپهر.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷) تبیین نظری سرمایه‌ی اجتماعی، تهران، مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.

فیلد، جان (۱۳۸۴) سرمایه‌ی اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضایی، چاپ دوم، تهران: کویر گورویچ، ژرژ و من (۱۳۵۶) مبانی جامعه‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر. گیلدنز، آنتونی (۱۳۸۷) تجدید و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات آرون. معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز، اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و عوامل موثر بر آن، مطالعه موردی شهر ارومیه، دانشنامه علوم اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس، دوره اول، ۱۳۸۸، شماره ۱)

معین، محمد (۱۳۸۲) فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر ناصر خسرو، قبادیانی (۱۳۸۴) دیوان ناصر خسرو، با مقدمه‌ی سیدحسن تقی‌زاده، چاپ چهارم، تهران: نگاه نیک خلق، علی اکبر (۱۳۸۴) جامعه شناسی روستایی، چاپ دوم، تهران: چاپخش.

یاوری، حسین و مسیحا، مریم (۱۳۸۸) فرهنگ عامه آداب و رسوم زندگی اجتماعی، جلد دوم، تهران: آذر دانش